

جای جای رمان مخاطبان زن و مردی هم به تناوب وجود دارند. بعد مشخص می‌شود که راوی از مسائلی سخن می‌گوید که قاعدتاً یک راوی اول شخص قادر به سخن گفتن درباره آنها نیست (مثل شرح اندیشه‌های درونی پدر - عمو و دکتر سلاپ، در صورتی که راوی در لحظه وقوع وقایع در شکم مادرش قرار داشته است). انگار استرن مدام تعدد دارد که نشان دهد قواعد داستانی گذشته را می‌شکند و می‌خواهد ثابت کند که قواعد داستان یا قواعد زندگی معمول انسان‌ها در تضاد قرار دارد.

از آنجا که استرن در جای جای رمان به نکات مهمی درباره نویسنده اشاره می‌کند، آشکار است که خود به خوبی از این گونه قواعد آگاه بوده است و اگر آنها را زیر پا نهاده، عالماً و عامداً بوده است. از همین رو آشکارا می‌گوید: «عجب حکایتی! آیا آدم باید از قواعد تبعیت کند یا قواعد از او پیروی کنند؟»^۴

اصرار او در به کار بردن نوآوری در امر نگارش داستان به حدی است که در همان ابتدای جلد دوم کتاب هم (صفحه ۴۲۱) باز شروع می‌کند به سخن گفتن درباره لزوم نوآوری و دوری جستن از تکرار روش‌ها و گفته‌های گذشتگان: «شما ای آقایان دانشمندان به من بگوئید آیا تا دنیا دنیاست ما باید این طور بر حجم بیفزاییم و چیزی بر مایه اضافه نکنیم؟ آیا باید کتاب‌هایمان را تا ابد به شیوه داروسازانی بسازیم که معجون‌های تازه درست می‌کنند و محتویات این ظرف را در آن ظرف می‌ریزند؟ باید همیشه همان طناب کذا را بتابیم و ابتابیم؟ - همیشه در همان راه کذا - و همیشه با همان آهنگ سرعت؟»^۵

از نکاتی که استرن درباره داستان‌نویسی یا درست خواندن یک متن بدان‌ها اشاره می‌کند، می‌توان از این موارد نام برد: الف) در خواندن یک اثر می‌بایست تأمل و دقت کافی به کاربرد تا دقایق و ظرایف اثر بر خواننده مکشوف شود (صفحه‌های ۷۷ الی ۷۹ کتاب). ب) نباید تنها به ماجرا و حادثه توجه کرد و از دقت در جزئیات و نکات به ظاهر فرعی که غیرمستقیم بیان شده‌اند،

خودداری کرد. (صفحه ۷۹) در نوشتن گاه لازم است برای سبک کردن بار داستان، حاشیه پردازی کرد، مشروط بر آن که نویسنده موضوع اصلی کارش را فراموش نکند. (صفحه ۹۴) این کار می‌بایست به روش «پیش رونده - همزمان» صورت بگیرد، یعنی هم انحرافی و گریزنده باشد، هم همزمان پیش رونده. (صفحه ۹۵) استرن از اولین نویسندگانی است که برای ذهن و هوش خواننده احترام قائل شده و گفته است که نمی‌بایست همه چیز را برای او شرح داد، بلکه: «چیزی هم برای او بگذارید که به نوبه خود بدان بیندیشد.»^۶

در واقع او خواننده را در امر آفرینش داستان با هنرمند شریک کرده است، کاری که امروزه بسیاری از نویسندگان بدان توسل می‌جویند. استرن که در این رمان بارها و بارها از روش برخورد نکوهیده منتقدان گلایه کرده است، در نهایت معتقد بوده است: «حاضریم (...) دست آن کسی را بیوسم که دل آزاده‌اش عنان خیال را به دست نویسنده‌اش می‌سپارد و بی آن که علتش را بداند راضی است و مقید این نیست که به چه جهت و از چه رو راضی است.»^۷ و در انتها بزرگترین درس این رمان برای نویسندگان امروز این است که از نوآوری ترسند و به قواعد دست و پاگیر زائد تن ندهند.

شکفتن ها و رستن ها

شکفتن ها و رستن ها

فریدون مشیری

سخن

چاپ اول، ۱۳۷۸

«شکفتن ها و رستن ها» آخرین کتاب فریدون مشیری شاعر بلند آوازه ایرانی است، اما این کتاب برعکس دیگر کتابهای وی، شامل اشعار وی نیست، بلکه چنانکه در مقدمه کتاب آمده است «نمونه‌هایی از شعر معاصر ایران از سال یکهزار و سیصد خورشیدی تا سال ۱۳۷۷ می‌باشد»

در این مجموعه جمعاً ۲۷۶ شعر از ۱۰۸ شاعر گرد آمده است. اولین شعرا ایرج میرزا، میرزاده عشقی، ابوالقاسم لاهوتی، نیما یوشیج، عارف قزوینی ... و آخرین آنها علی اشعری، محمد حقوقی، محمد علی سپانلو، فخرالدین مزارعی و محمود ثنائی می‌باشد. در مقدمه کتاب آمده است: «آنچه خواننده کتاب می‌تواند اطمینان داشته باشد این است که گرد آورنده در گزینش خود از حب و بغض برکنار بوده است» اما مثلاً در شرح حال کمال اجتماعی چندقی آمده است: «اجتماعی هرگز ادعای شاعری نکرده و لاجرم نامش را تاکنون در فهرست شاعران ندیده‌اید، اما... به پاس زحمت‌های او یکی - دو قطعه از آن می‌خوانید» (ص ۵۰۳) و بعد پنج قطعه از وی آورده شده است!

مطلب دیگر اینکه در مقدمه کتاب می‌خوانیم که مجموعه به پیشنهاد و درخواست ناشر گرد آمده است و خواننده عاشق شعر افسوس می‌خورد که ای کاش مشیری به آواز دل گوش می‌داد و طی زمان بیشتری این مجموعه را گرد می‌آورد تا اولاً شعری از سر تصادف یا فراموشی از قلم نمی‌افتاد، ثانیاً اشعار معروفی که در هر مجموعه از این دست آمده از مجموعه حذف می‌شد تا دوباره کاری نشده باشد.

فریدون مشیری در این مجموعه شش شعر هم از خود آورده و جالب است که شعر معروف «کوچه» جزء آنها نیست. وی همچنین در آخر جلد دوم وعده می‌دهد که کتاب، جلد سومی هم در پی دارد که به زودی چاپ و منتشر می‌شود.

- ۱- سیری در ادبیات غرب / اثر جی - بی - پرستلی / ترجمه ابراهیم یونسی / صفحه ۱۰۵ / نشر امیرکبیر / چاپ سوم / ۱۳۷۲
- ۲- هنر رمان / اثر میلان کوندرا / ترجمه پرویز همایون پور / صفحه ۵۸ / نشر گفتار / چاپ دوم / بهار ۱۳۶۸
- ۳- زندگانی و عقاید آقای تریسترام شندی / اثر لارنس استرن / ترجمه ابراهیم یونسی / صفحه ۷۹ / نشر تجربه / چاپ اول / ۱۳۷۸
- ۴- منبع بالا صفحه ۳۴۹
- ۵- منبع بالا صفحه ۴۲۱
- ۶- منبع بالا صفحه ۱۴۰

مجموعه انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی